

ممالک و فتنه محرومه

پوشش های قاجاریه شناسی

سال یکم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ۱۵۰۰۰۰ ریال

دکتر محمد امیر احمدزاده
دکتر روح اله اسلامی
دکتر محسن خلیلی
حسن زرگری سنقر
سمیه زمانی
دکتر علی گل محمدی
دکتر مرتضی متشادی
دکتر پردیس مینوچهر
دکتر مهدی نجفزاده

مؤلفه های ادبیات حماسی در نخستین جهادیه های روزگار قاجار
تکنیک های کنستیتوشن در سیستم ممالک محروسه
دشواره های هویت در روایت صادق خان مستشارالدوله از مشروطیت
نشانگان فروپاشی دو دمان قاجار در هفت متن ادبی
تابوی سیاسی در سه روزنامه ی قانون، صور اسرافیل و کاوه
فروش مناصب و مراتب درد دوره های ادو و قاجار
مهد علیا: بازیگری موفق، سیاستمداری ناکام
مطبوعات ایرانیان جلای وطن کرده و علمای مشروطه خواه عتبات
«حیث خیالی» قانون گذار در دوره ی تکوین سیاست مدرن در ایران



ممالک محروسہ

پیشانی قاریسنی

سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴

شاپا: ۷۶۹۸-۲۴۲۳

دوفصل نامہ می ممالک محروسہ، بہ موجب مجوز شماره ۱۸۴۲۵/۹۳/۱۳۹۲-۰۷/۲۹ بہ تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۹ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتشر می گردد.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

khallim@um.ac.ir

mohsenkhallili1346@yahoo.com

محسن خلیلی

هیأت تحریریه

روح‌الہ اسلامی (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

اسماعیل حسن زاده (دانشیار تاریخ دانشگاه الزہرا)

حسن حضرتی (استادیار تاریخ دانشگاه تهران)

محسن خلیلی (استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

عباس قدیمی قیداری (دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز)

عباس کشاورز شکری (دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد)

علیرضا ملایی توانی (دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مرتضی منشادی (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

مهدی نجف زاده (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

ماکوتو ہاجی اوشی (استاد تاریخ دانشگاه توکیو)

نشانی: مشهد، بلوار وکیل آباد

دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه علوم سیاسی

کد پستی: ۹۱۷۷۶۴۸۹۵۱

صندوق پستی: ۱۳۵۷

تلفن: ۰۵۱-۳۸۸۰۵۳۵۷

نمابر: ۰۵۱-۳۸۸۲۹۵۸۴

رایانامه: mamalekemahruseh@gmail.com

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

معاون سردبیر: مصطفی شوشتری

دستیار سردبیر: ابوالقاسم شہریاری

ویراستار: رضا دانشمندی

ویراستار لاتین: دکتر سید محمد علی تقوی

نشان نوشته (لوگو): ابو شہروان فروغی

صفحه آرا: احمد حریمی

طراح جلد: وحید صالحی نجف آبادی

جاب نشر مرندیز

فهرست جستارها

۲-۳۳

مواجهه‌های ادبیات حماسی در نخستین «جهادیه» های روزگار قاجار
مستشار احمدزاده

۴-۵۵

تکیک‌های کنستیتوشن در سیستم ممالک محروسه
سجده اسلامی

-۷۳

دشواری هویت در روایت صادق خان مستشارالدوله از مشروطیت
حسن خلیلی

-۹۱

تئاترگان فروپاشی دودمان قاجار در هفت متن ادبی
حسن زرگری سفیر

-۱۱۷

تکوی سیاسی در سه روزنامه‌ی قانون، صوراسرافیل و کاوه
سید زینتی

-۱۳۵

فروش مناصب و مراتب در دوره‌های اِدو و قاجار
علیرنگ محمدی

-۱۵۲

مهدعلیا، بازیگری موفق، سیاست‌مداری ناکام
ناصر مشادی

-۱۶۳

صیوغات ایرانیان جلای وطن کرده و علمای مشروطه خواه عتبات
سید جعفر به پارسی گردانی رضا دانشمندی

-۱۸۱

حسب خیالی «قانون‌گذار در دوره‌ی تکوین سیاست مدرن در ایران»

دشواری هویت در روایت صادق خان مستشارالدوله از مشروطیت*

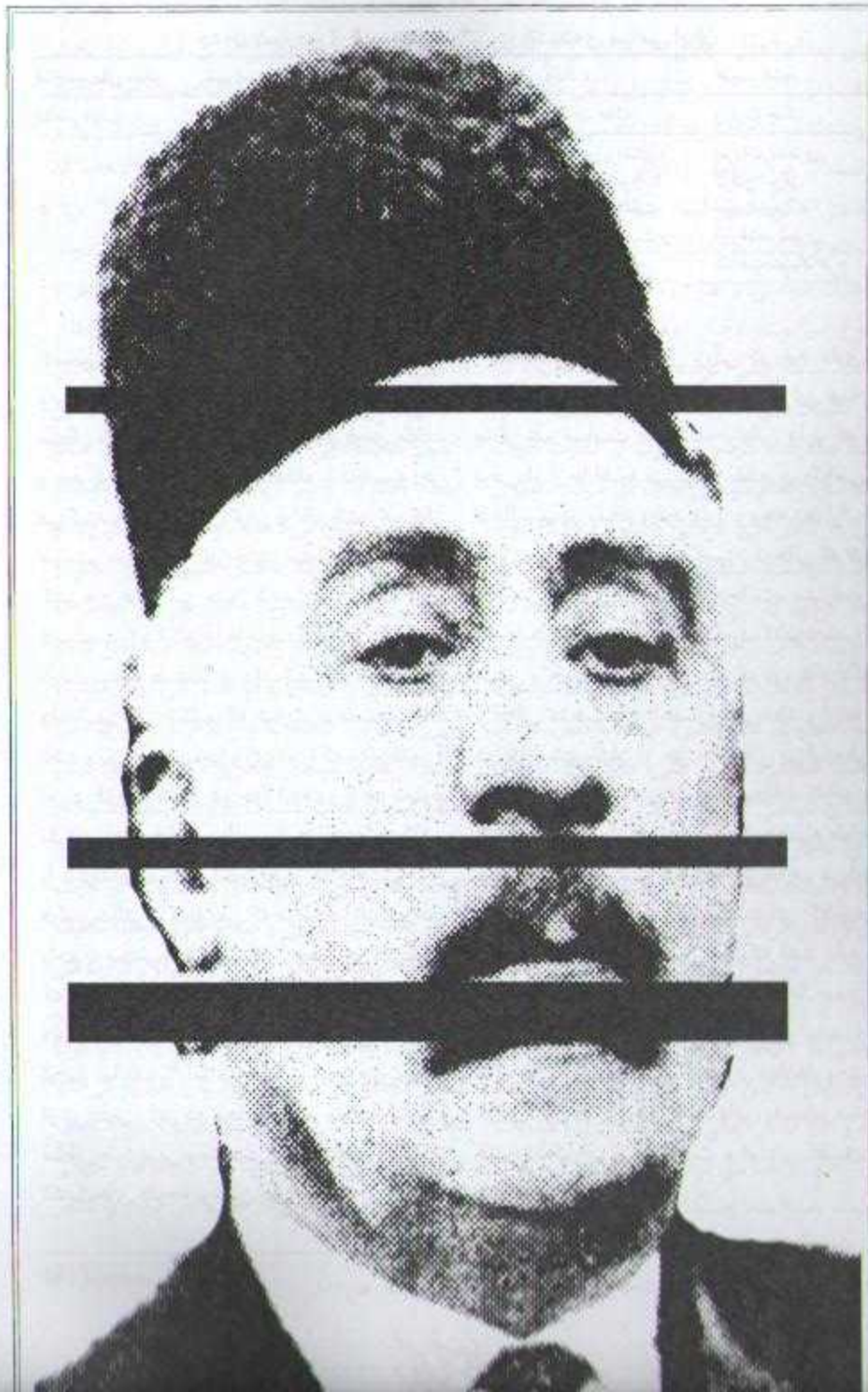
معسن خلیلی**

صادق خان مستشارالدوله، فرزند جوادخان مستشارالدوله تبریزی، از نخبگان دوره‌ی قاجاریه و پهلوی محسوب می‌شود که مناصبی مهم را از دوران مظفرالدین‌شاه تا نیمه‌ی دوران سلطنت رضاپهلوی به‌عهده داشت. در دوران مشروطه، از سوی مردم آذربایجان به وکالت مجلس انتخاب شد و کارش چنان بالا گرفت که هم عضو هیأت تدوین‌کننده‌ی منتم قانون اساسی شد، هم ریاست مجلس را به‌عهده گرفت، هم وزیر چند وزارت‌خانه شد و هم ریاست مجلس مؤسسانی را برعهده گرفت که به سال ۱۳۰۶ ه.ش، انتقال سلطنت را از قاجار به پهلوی رقم زد. در این مقاله، نگارنده قصد دارد تعریفی برساخته از هویت را با محک روایت صادق صادق، از انقلاب مشروطیت، بسنجد و نشان دهد که وی، راوی روایتی است که توان شناسایی پیچیدگی‌های مشکله‌ی کیستی ایرانیان را در دوران مشروطه ندارد. روایت مستشارالدوله از مشروطه‌خواهی، در چنبره‌ی مجموعه‌ای ناساز از مفاهیم خود، دیگری، ایرانی، اسلامی، و مدرن، قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، نخبه‌ای هم‌چون او، نیز از تحریر محل نزاع در باب چیستی غفلت می‌کند. نگارنده گمان می‌کند پیچیدگی مسأله‌ی شناخت در علوم انسانی به‌دلیل ماهیت دانش‌ها و روش‌های موجود در گستره‌ی علوم انسانی است، و سبب شده پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، به‌تدریج، جایگاه تازه‌ای به‌دست آورند. مکتوب پیش‌رو بر بنیانی بین‌رشته‌ای استوار شده است.

* واژگان مهم: هویت، مشروطیت، صادق مستشارالدوله، روایت نخبه‌گرایانه از هویت مشروطه

* این مقاله در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ دریافت و در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۰ پذیرش شده است.

** استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (khalilim@um.ac.ir)



مرده و راحت زنده باشد^{۵۸}. و توان گران را از خریدن مزخرفات فرنگ منع می‌کند؛ زیرا، به تعبیر وی، ثروت آنان، آباد نشده است مگر در خرابی هزاران خانه‌ی وطن^{۵۹}. ولی همه‌ی این توصیه‌ها، در حد پندهای بدون قابلیت اجرا باقی می‌ماند و خود، چون، توان عملیاتی شدن ندارد، صادق را به واعظ بلامتعظ تبدیل می‌کند.

در وجه آسیب‌شناسانه، به مفهوم «خود»، به نحوی موجز و نسبتاً مکفی می‌پردازد، ولی به‌طور کلی در مفهوم «غیر» یا «دیگری»، دچار کاستی‌های فراوان است. در تشخیص دردها و درمان عنصر «خود» معتقد است: نداشتن راه و سپاه، چیره‌دستی اجانب، ضعف تجارت و صنعت، فقدان امنیت و آزادی، فساد اخلاق از نتایج مرض اصلی هستند و نه خود مرض^{۶۰}. مرض اصلی را نبود «غیرت و تعصب ملی»، می‌نامد و آن را اساس همه چیز می‌داند: شرافت، قومیت، نجابت، اخلاق، عدل، آبادی، آزادی را برهم‌زده^{۶۱}. ولی، دلیل چیره‌دستی اجانب را نمی‌تواند درک کند، نمی‌تواند برهان برای چرایی و چگونگی ضعف تجارت و صنعت بیافریند، تعریفی از مفهوم امنیت و آزادی ارائه نمی‌دهد و دلیل فقدان آن را به‌درستی نمی‌شناسد و منظورش از کاربست کلمه «ملی»، همان مفهومی نیست که عصر و استقلال‌یابی روابط بین‌الملل را، از دوران پیشین، متمایز می‌گرداند. این واژه درحقیقت، نزد او همانندی تام و تمام یا مفهوم وطن یا میهن دارد که آن را «مفهوم

مرکزی» روایت صادق خان از هویت دانسته‌ایم؛ مفهومی که در فرهنگ ایران باستان ریشه ندارد، در دین اسلام جای خود را به اُمت داده و در غرب دوران مدرن، واجد ویژگی‌هایی است که دانش مستشارالدوله، راهی به درون‌مایه‌ی آن نداشته است. بنابراین، واژگان نزد او، جدای از بن‌مایه‌های اندیشه‌ای مطرح می‌شوند، متعهد به منظومه‌ای فکری نیستند و نمایندگی هیچ کدام از سه فرهنگ امتزاج یافته در ایران را نمی‌کنند. تنها از باب مسامحه می‌توان آن را به سلحشوری، حماسه‌سازی و اسطوره‌پروری متعلق دانست: غیرت و تعصب ملی، تولید حب وطن می‌نماید. همین‌که فرد فرد اشخاص به عشق و ارادت، وطن خود را خواستند بالطبع در دفع بلاهای آن جمع می‌شوند و مرمت خانه‌ی مشترک را که بر سر همه خراب می‌شود جدّاً و جمعا برعهده می‌گیرند^{۶۲}.

نکته‌ی درست قلم مستشارالدوله، آن است که فرد را مقصر نمی‌بیند، فرد را موظف نمی‌داند و فرد را محور راه حل قرار نمی‌دهد، بلکه «جمع و گروه» را مقصر و مکلف می‌پندارد و از این بابت، توان آفرینش حس همدردی و همدات‌پنداری را در میان مخاطبانش دارد: آیا در نقطه‌ای از ایران به پاس خون هموطنان و هم‌مذهبان، جوش و خروشی دیده و شنیده شد؟ چرا؟ زیرا تعصب ملی نداریم تا ابنا‌ی وطن را برادران حقیقی خود فرض کرده از اضمحلال آنان تأثر و تحسری داشته باشیم^{۶۳}. دیگر نکته‌گویی صحیح وی، چگونگی کسب غیرت و تعصب ملی

۵۸. همان، ص ۲۶۳.
۵۹. همان.
۶۰. همان، ص ۲۵۴.
۶۱. همان، ص ۲۵۹.
۶۲. صادق صادق [مستشارالدوله] خاطرات و اسناد مستشارالدوله‌ی صادق، مجموعه‌ی اول: یادداشت‌های تاریخی و اسناد سیاسی، به کوشش ایرج افشار (تهران: فردوسی، ۱۳۶۱)، ص ۲۶۰.
۶۳. همان.

نزد ایرانیان هموطن است؛ زیرا، به‌درستی به این باور، معتقد می‌شود که: نه از فرنگستان اتباع توان نمود، نه با استقرار روس، نه با استخدام بلجیکی و نه با نذورات و ختم گرفتن تهیه‌اش ممکن. چاره‌اش سهل^{۶۴}. درحقیقت، ذهن ایرانی را متوجه کاستی‌ها و کژی‌های «خود» می‌کند و او را از تنبلی ذهن، واکنش‌گرایی و کردارهای منفعلانه در برابر «غیر»، می‌رهاند. اما، مستشارالدوله، بسی نوسید نیز هست: بدبختانه مرض صعب‌العلاج است و علاج بسیار بطئی‌الحصول. مدت‌ها لازم است تا علم و عمل، حمیت قوا و ناموس ملی را به حد ضرورت برساند. چنین فرصت طولانی را از دست داده‌ایم و عن‌قریب سلاسل تسلط و تغلب اجانب، ما را از حرکت خواهد انداخت^{۶۵}.

نتیجه‌گیری

بازنمایی هویت نزد مستشارالدوله، قادر به آفرینش هویت و یا بازسازی آن نشد؛ برای وی، مفاهیمی چون اشتراک‌های قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی، آیینی و اسطوره‌ای، کمابیش نامکشوف است؛ سرزمین و مرز متمایزکننده را تنها در حیث جغرافیایی می‌شناسد، تاریخت و اقلیم را در بازنمودهای هویتی خود دخیل نمی‌کند و از تعبیرهای مرز ملی، زبان ملی، احساس ملی، و دولت ملی، آگاهی کلاسیک ندارد. بنابراین، از پاره‌های سه‌گانه‌ی برسازنده‌ی هویت در ایران، برکنار می‌ماند و تنها به اشاره و استعاره، یک «لوگوسنتر» (مفهوم یا واژه مرکزی) به نام «وطن» می‌آفریند و حول محور تجددگرایانه‌ی آن، داد

۶۴. همان، ص ۲۶۲.
۶۵. همان، ص ۲۶۸.

سخن می‌دهد. حال را به گذشته پیوند نمی‌بازنمایی قدرت‌مندانه و یا سوگ‌مندانه‌ی گذشته‌ی پرشوکت و افتخارآفرین دست‌ل حسرت افتخار، اقتدار، وسعت و چیرگی گ ایران‌زمین را نمی‌خورد، به بازسازی شاه به‌معنای فراگیرندگی نمی‌پردازد، از گذشته سخن نمی‌گوید و در روی آور آیین جدید و پیوند دادن عناصر متماثل جاودان‌سازی مفهوم «ایران‌زمین» و «ایرانی»، کاهلی به شرح می‌دهد. این مستشارالدوله از هویت مشروطه، در عوالم سازنده‌ی هویت نمی‌گذرد، فراوانی و فرا می‌شود و خود، تبدیل به «دشواری» می‌گردد وضعیت پروپاگاندیک ناشی از به‌گانی مفهوم نزد مستشارالدوله، آغاز، تمام و پایان آن مشروطه‌خواهی، روشن نمی‌شود و آثارها سبکی ششپایه می‌یابد که زیبایی‌شناختی است؛ اما، مشروطیت را واضح نمی‌گرد مشروطیت در ذهن مستشارالدوله، نه ریشه فرهنگ ایران‌زمین و ایران باستان می‌دواند نایب‌نوار، دست‌آمد آمیزش فرهنگ اسلامی فرهنگ متجددانه محسوب می‌گردد، و نه، حا تحولات تکنیک و فرائد تکنیک، به‌ش می‌رود. شاید بی‌دلیل نباشد که سرشت اندیشه نامعلوم وی، منجر به این می‌شود که مستشارالدوله که از سران، پیش‌قراولان و پرچم‌داران مشروط به‌شمار می‌رفت، در یک پیروسی تاریخی میان‌مدت، رئیس مجلس مؤسسانی می‌شود آرمان‌های مشروطه‌خواهان را در انتقال سلطه از فردی فراری از پادشاهی، به مردمی خودکامه معارض نهادهای مشروطه‌خواهانه، صورت قانون می‌دهد.